

## گزارشی از کتاب

### همسخنی بین مذاهب اسلامی در کتاب الفصول المهمة فی تألیف الأمة

حسین سرمد محمدی<sup>۱</sup>

نام کتاب: الفصول المهمة فی تألیف الأمة

نویسنده: سید عبدالحسین شرف‌الدین موسوی عاملی

محقق: دکتر عبدالجبار شراره

ناشر: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی سال چاپ: ۱۴۱۷ق

قطع: وزیری

تعداد صفحات: ۳۸۲

#### چکیده

علامه شرف‌الدین عاملی موسوی عاملی (۱۲۹۰ - ۱۳۷۷ق) از جمله اصلاح‌طلبان و تقریب‌گرایان بزرگ اسلامی است. وی پس از این‌که شیخ نوح حنفی با فتوا به کفر شیعه و جواز قتل ایشان و عواقب خطرناک آن روبه‌رو شد و در زمانی که هنوز، از سویی شیعه را مذهبی غیر قانونی، غیر رسمی، اختراعی و شیعیان را اهل بدعت می‌شمردند و نزد برخی افراد ایشان را خارج از دین شناخته و تکفیر می‌کردند و از سوی دیگر هنوز تا فتوای تاریخی از سوی شیخ محمود شلتوت رئیس وقت الازهر مبنی بر به رسمیت شناختن و جواز استفاده از فقه جعفری در کنار مذاهب فقهی اهل سنت بیشتر از پنجاه سال فاصله داریم، کتاب گران‌سنگ «الفصول المهمة فی تألیف الامة» را در دفاع اصولی از مبانی و مکتب تشیع و نمایاندن توطئه استعمارگران و مزدوران آنان در ایجاد اختلاف و تفرقه نگاشت. مباحث مهم و اساسی این اثر که در متن مقاله به تفضیل خواهد آمد، هم‌چون وقایع صدر اسلام پس از رحلت پیامبر اسلام ﷺ، ذکر فتواهای برجسته عالم اسلام از دورترین دوره آن

۱- محقق و نویسنده.

درباره اسلام، ایمان، حرمت انسان گوینده شهادتین، اهل نجات بودن اهل توحید، مقوله اجتهاد در برابر نص، فتاوی تکفیری و تکفیر شیعه و پاسخ به آن، نقش دروغ‌سازان و برخی از نویسندگان در تفرقه افکنی و جدایی و دوری بین امت اسلامی، نقل و نقد و بررسی شده است. وی معتقد بود: «سیاست شیعه و سنی را از هم جدا کرده است و باید سیاست آنها را با هم جمع کند». هم‌چنین وی معتقد بود آن نوع تقریب و نزدیک‌سازی مذاهبی را که به معنای دست کشیدن از اصول و مبانی مکتب اهل بیت علیهم‌السلام باشد، به دلیل آن که راه به جایی نمی‌برد، نمی‌پذیرد. واژگان کلیدی: الفصول المهمة، علامه شرف‌الدین، فتاوی تکفیری، اجتهاد، نص، تقریب مذاهب.

### معرفی کتاب و ابواب آن

«الفصول المهمة فی تألیف الأمة» کتابی است به زبان عربی درباره اتحاد و تقریب و هم‌سخنی بین مذاهب اسلامی و نیز دفاع اصولی از مبانی و مکتب تشیع از علامه سید عبدالحسین بن یوسف شرف‌الدین موسوی عاملی (۱۲۹۰ - ۱۳۷۷ق) از جمله اصلاح‌طلبان و تقریب‌گرایان بزرگ اسلامی. وی با نگارش آثار گران‌بهای چون: النص و الاجتهاد، الفصول و المراجعات و... نیز با سخنرانی‌ها و مسافرت‌های خود خدمات ارزنده‌ای در ایجاد وحدت و اخوت اسلامی انجام داده است و در ضمن آن، به دفاع از حریم تشیع و زدودن شبهات بر ضد شیعه و آگاهی‌رسانی به مسلمانان از حقایق اصیل اسلام پرداخته است. (صدر حاج سید جوادی و دیگران، ۱۳۸۱ش، ج ۹، ص ۵۶۳).

الفصول المهمة اولین نگارش وی در این خصوص است که در سال ۱۳۲۷ ق اتمام یافته است، زیرا آغاز مکاتبه میان وی و عالم بزرگ اهل سنت شیخ سلیم بشری، ۶ ذی‌القعدة ۱۳۲۹ق بوده است. از الفصول چاپ‌های با ارزشی از ناشران متعددی در بغداد، تهران، صیدا، قم و نجف اشرف منتشر شده است.

الفصول در سال‌های گذشته چندین بار به فارسی برگردان شده است؛ یک بار با عنوان «در راه تفاهم مسلمانان» زیر نظر آیت الله محمد یزدی در قم به وسیله مؤسسه علامه در ۲۲۸ صفحه و بار دیگر در ۲۹۵ صفحه توسط انتشارات آزادی چاپ و منتشر گردیده است؛ هم‌چنین با عنوان «مباحث عمیقی در جهت وحدت امت اسلامی» به وسیله آقای صادقی اردستانی (حاذق، قم، ۱۳۶۲ش، ۳۳۶ص) و دست آخر با عنوان: «مباحثی پیرامون وحدت اسلامی» توسط سید ابراهیم سید علوی (نشر مطهر، تهران ۱۳۸۰ش، ۳۱۰ص) و نیز علاوه بر زبان فارسی، با عنوان: «ارشاد الامه» توسط سید عنایت علی نقوی (اداره التألیف شاه یوسف، ملتان، ۱۴۲۳ق، ۲۹۲ص) به زبان اردو ترجمه شده است.

علامه شرف‌الدین به وقایع و اتفاقات صدر اسلام، پس از رحلت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، پرداخته است. وی با نقل احادیث صحیح از مجامع حدیثی معتبر اهل سنت و نیز ذکر فتوهای برجسته عالم اسلام از دورترین دوره آن درباره اسلام، ایمان، حرمت انسان گوینده شهادتین، اهل نجات بودن موحدان، نجات اهل توحید، به بیان حقایق پوشیده بسیار مهمی پرداخته است. علاوه بر این موارد، او به مقوله اجتهاد در برابر نص، که گذشتگان توجیه کرده‌اند؛ فتوایی که برای تکفیر وجود داشته است؛ نقشی که دروغ‌سازان در ایجاد تفرقه بین امت واحده داشته‌اند، و سرانجام، عملکرد برخی از نویسندگان در تفرقه افکنی و جدایی و دوری، توجه نشان داده است. انگیزه وی برای تألیف فصول این بود که یکی از عالمان اهل سنت به نام شیخ نوح حنفی با فتوا به کفر شیعه و جواز قتل ایشان، قدم بسیار خطرناکی به سود استعمارگران که با تفرقه افکنی در جهان اسلام، نقشه شومی در سر می‌پروراندند، برداشت. سید عبدالحسین، پس از نقل این فتوای تفرقه‌انگیز، با دلی پردرد می‌نویسد: «هذا هو الاختلاف الذی لیس بعده اتتلاف؛ هذا هو الافتراق الذی لیس بعده اتفاق؛ هذا هو المحاربه التی لیس بعدها مصاحبه. (موسوی، ۱۳۸۲ش، ص ۱۹۷)؛ این اختلافی است که به دنبال آن اتفاق ممکن نباشد و جدایی‌ای است که پس از آن اجتماع فراهم نگردد و جنگی است که هرگز صلح و آشتی به دنبال ندارد» (سید علوی، ۱۳۸۰ش، ص ۱۹۳).

### شیوه نگارش

#### ۱) سبک تاریخی و روایی

علامه با بهره‌گیری از نص آیات قرآن و احادیث و روایت حوادث و وقایع تاریخی به بررسی دلایل جدایی و عداوت بین امت اسلامی می‌پردازد و مخالفان وحدت اسلامی را شناسایی نموده و به نقد و انتقاد آنها مبادرت می‌ورزد. (مبارز، ۱۳۸۳ش، ص ۱۲۸).

#### ۲) دفاع از مبانی و اصول مکتب تشیع

وی به هیچ وجه مذهب را فدای مصالحه نکرده است. به بیان دیگر، وی علاوه بر تأکید بر وحدت و هم‌سخنی بین تشیع و تسنن، دفاع اصولی و معقولی بر پایه نصوص و وقایع تاریخی از مبانی و اصول مکتب اهل بیت علیهم‌السلام نموده است. (پیشین، ص ۱۲۹).

#### ۳) توجه دادن به عقل و وجدان برای داوری و درستی گفتار

نویسنده با توجه به این که عقل و وجدان به عنوان دو مرجع، فطری و متعلق به همگان با هر سلیقه و اندیشه‌ای می‌باشد در تمام مباحث کتاب آن را معیار داوری و درستی اندیشه قرار داده است، زیرا در چارچوب این دو مرجع می‌توان صحت و عدم صحت دلایل و مباحث مطروحه را تشخیص داد.

#### ۴) توجه به عملی شدن مباحث مطروحه

وی در طرح مباحث خود، هیچ‌گاه از اهل سنت نمی‌خواهد دست از فلان موضوع مهم خود بردارد، یا از شیعه نمی‌خواهد جهت نزدیک شدن به اهل سنت از اصول مهم خود دست بکشد، چون نه ممکن است و نه عملی، اما بر اصول مشترک عملی، تأکید می‌کند. (ص ۱۲۹).

#### علل و انگیزه‌های تألیف الفصول از نظر زمانی

۱) پیدایش تفکر وحدت و هم‌سخنی در دوره حیات علامه شرف‌الدین: تأکید و اهتمام قرآن، روایات اهل بیت علیهم‌السلام، تجربه تاریخ ادیان و ملل، به ویژه دین اسلام، عوامل سیاسی همانند: پیشرفت تمدن غرب و استعمار کشورهای اسلامی از سوی غربی‌ها از جمله عوامل و انگیزه‌های است که در درک و احساس وظیفه علامه شرف‌الدین نسبت به پیدایش این تفکر و تألیف کتاب مؤثر است. وی جمله معروفی در این مورد دارد که بارها در مجله «المنار» ذکر شده است: «سیاست شیعه و سنی را از هم جدا کرده است و باید سیاست آنها را با هم جمع کند» (دوانی، ۱۳۷۵ش، ص ۸)؛ به این معنا که استعمارگران و بیگانگان با سیاست‌های خود باعث ایجاد تفرقه و جدایی امت اسلامی شدند، که با هوشیاری و آگاهی مسلمانان و سیاست اسلامی، وحدت و هم‌سخنی ایجاد خواهد شد.

دوره زندگانی و حیات علامه شرف‌الدین مصادف بود با استعمار کشورهای لبنان، شام و... توسط فرانسه و کشورهای فلسطین و... توسط انگلیس، و برچیده شدن خلافت عثمانی‌ها از ترکیه، در واقع، این دگرگونی‌ها در دنیای اسلام، در اقدام وی برای وحدت امت اسلامی، بی‌تأثیر نبوده است.

۲) عوامل مؤثر در گزینش و جهت‌دهی مطالب و کیفیت نوشتن آن: رعایت نکات تقریبی و کوشش جهت دست‌یابی به هدف تقریب و هم‌سخنی و ادب و احترام. در این‌جا شایسته تذکر است که هر چند از زاویه دیگر به نظر برسد که وی در بحث، از هدف خود دور شده است، که از جمله می‌توان به تأکید فراوان وی در دفاع از مکتب اهل بیت علیهم‌السلام و برتری آن بر دیگر مذاهب، تعرض به عمر و تذکر دادن مباحث تحریک‌کننده مثل: داستان مالک بن نویره؛ قول عمر «ان الرجل لیهجر» و... هم‌چنین طرح مبحث «اجتهاد صحابه و ثبات عدالت آنان نزد اهل سنت» در فصل هشتم، اشاره کرد، اما با دقت بیشتر در شرایط و عوامل نوشتن این اثر پی می‌بریم که انتخاب این مباحث دقیقاً آن را به هدف خود نزدیک‌تر کرده است، زیرا مباحث انتخابی وی، بیان حقایق تاریخی برای تذکر دادن وجود و تحقق اجتهاد در گذشته است. در واقع می‌توان گفت وی با درک کاملی که از معنا و هدف و ستون‌های تقریب دارد، گویی در این اثر دو هدف را دنبال می‌کند: از یک سو او به شدت مدافع مکتب شیعه است تا جایی که به نظر می‌رسد کتابش در صدد دفاع از شیعه و معرفی آن برای اهل سنت است، و از سوی دیگر او به شکلی به تقریب، هم‌سخنی بین مذاهب اسلامی، تفاهم

مذاهب با حضور کیان خویش، و مبارزه با تعصب، عشق و علاقه نشان می‌دهد و گاهی سخنان تفرقه‌آمیز و عوامل نفاق و فتنه، فریاد او را بلند می‌کند.

افزون بر این، فاصله نوشتن فصول (۱۳۲۷ ق) تا زمان اعلان فتوای تاریخی از سوی رئیس وقت الازهر «شیخ محمود شلتوت» مبنی بر جواز استفاده از فقه جعفری در کنار مذاهب فقهی اهل سنت، بیشتر از پنجاه سال می‌باشد. (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۷ش، ص ۳۰۹؛ همو، ۱۳۷۹ش، ص ۱۹۲)؛ به بیان دیگر، در زمان حیات نویسنده، شیعه مذهبی غیر قانونی، غیر رسمی و اختراعی به حساب می‌آمد و شیعیان اهل بدعت محسوب می‌شدند و نزد برخی افراد، خارج از دین شناخته و تکفیر می‌شدند، به همین خاطر است که وی فصل نهم کتابش را به تکفیر شیعه و پاسخ به آن اختصاص داده است. بنابراین بسیار منطقی و طبیعی است که کوشش در شناساندن شیعه و دفاع از آن، تا این که به رسمیت شناخته شود، بهتر به هدف وحدت کمک می‌کند؛ وحدتی که اهل سنت باید پیشقدم در آن شده و شیعه را به رسمیت بشناسند. از سویی، عیب‌جویی اهل تعصب و تندرو اهل سنت از شیعه و بزرگ جلوه دادن مسائل حاشیه‌ای و جزئی در رد و نقض شیعه، نویسنده را وادار نموده تا به رد و نقض مذهب آنان اشاره نماید تا ایشان آگاه و متنبه شوند (مبارز، پیشین، ص ۱۲۹-۱۳۰). در نتیجه، علامه شرف‌الدین تقریبی را که به معنای دست کشیدن از اصول و مبانی مکتب اهل بیت علیهم‌السلام باشد نمی‌پذیرد، چون می‌داند راه به جایی نمی‌برد.

#### زندگی‌نامه علمی و فرهنگی علامه سید شرف‌الدین موسوی

علامه سید شرف‌الدین به عنوان مصلح بزرگ، مسئله اصلی جهان اسلام را در تفرقه و جدایی میان دو مذهب تشیع و تسنن می‌دیده است؛ بنابراین محور اصلی نوشته‌ها و تألیفات و نامه‌های وی (به خصوص مکاتبات با شیخ سلیم بشری) به طور عمده، در جهت «ایجاد وحدت» و «نزدیکی قلوب مسلمین» و «تقارن و تفاهم ذهن‌ها و اندیشه‌ها» در دنیای اسلام بوده است.

با توجه به این‌که وی از دوران جوانی در جامعه چند مذهبی لبنان زندگی می‌کرد، نسبت به وحدت و انسجام اجتماعی مسلمانان حساسیت خاصی داشت و بر این باور بود که مسلمانان ناگزیرند هرگونه تفرقه و جدایی را از میان خود برداشته و به نوعی الفت و دوستی و هم‌سخنی برسند.

فعالیت‌های متعدد وی را می‌توان تحت عناوین ذیل دسته‌بندی نمود:

#### ۱- فعالیت‌های اجتماعی و اصلاحی

علامه شرف‌الدین پس از کسب درجه اجتهاد در نجف اشرف، راهی لبنان گردید که در آن هنگام زیر سلطه و استعمار فرانسه بود و به مقابله و مبارزه با تضادهای دینی و مذهبی و اجتماعی پرداخت که با تحریک استعمار در بین ادیان موجود در لبنان و به ویژه بین دو مذهب شیعه و سنی وجود

داشت. هم‌چنین فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی خود را با تأسیس و راه‌اندازی مدارس دینی و کلاسیک مانند المدرسه الجعفریه، احداث اماکن دینی و فرهنگی مانند نادى الامام الصادق (ع) (مکانی جهت جلسات دینی و فرهنگی) و مؤسسات خیریه و عام‌المنفعه مانند جمعیه البر و الاحسان (مؤسسه‌ای برای مساعدت افراد بی بضاعت) در جبل عامل آغاز نمود. (ذاکری، ۱۳۸۸ش، ص ۳۹).

### ۲- مبارزات و فعالیت‌های سیاسی

وی فعالیت‌ها و مبارزات خود را با نشر معارف و بیان حقایق دینی و دفاع از مکتب تشیع شروع کرد و پس از قیمومیت لبنان و سوریه به وسیله فرانسه، در شکل‌گیری نهضت و راه‌اندازی مبارزات با استعمار در جامعه لبنان، نقش مهمی ایفا کرد تا این‌که فرانسوی‌ها حکم اعدام وی را صادر کردند و با هجوم به منزلش کتابخانه و بسیاری از آثار گران‌سنگ وی را در آتش سوزانده و وی را تبعید کردند. (پیشین، ص ۴۱ - ۴۲).

### ۳- فعالیت‌های علمی

دغدغه علامه در عصر خود در زمینه علمی گسترش فرهنگ و تمدن غربی در دنیای اسلام بود که در نتیجه آن بسیاری از مسلمانان به مدارس که به سبک و شیوه غربی تأسیس گردیده بود، جلب شده بودند. راه حل مناسب علامه به جای این‌که برخورد انفعالی و منفی باشد، که نتیجه‌ای به بار نمی‌آورد، مهیا نمودن علوم جدید در مدارس با اخلاق و تربیت اسلامی بود که تأسیس المدرسه الجعفریه (دانشکده جعفری) از نتایج آن بود. (پیشین، ص ۴۲ - ۴۳).

### ۴- فعالیت‌های تقریبی

پس از سقوط حکومت عثمانی، که تضاد و عدم انسجام در میان مذاهب اسلامی ایجاد شده بود و مسلمانان با عناوین مختلف قومی و نژادی دسته‌بندی می‌شدند و این اختلاف‌ها و نفاق‌های موجود با دخالت‌های قدرت‌های استعماری به اوج خود می‌رسید و گاه نتیجه آن صدور فتوای تکفیری از سوی برخی عالمان منسوب به مذاهب اسلامی بود، علامه در جهت اتحاد و نجات مسلمانان از تعصب و تفرقه مذهبی با تألیفات علمی مانند: الفصول المهمة، المراجعات، النص و الاجتهاد، ابوهریره، اجوبه موسی جارالله و... هم‌چنین نامه‌نگاری با مراکز علمی دیگر مذاهب و مسافرت‌هایی جهت دیدار و مناظرات علمی از جمله ملاقات و مناظره با شیخ سلیم بشری رئیس دانشگاه الازهر قدم‌های استواری در این راستا برداشت. (پیشین، ص ۴۳-۴۴).

### الف) راه‌کار و روش تقریبی علامه شرف‌الدین

جهت تبیین راه‌کار تقریب علامه شرف‌الدین ابتدا لازم است دیدگاه‌های دانشمندان تقریب مذاهب اسلامی جهت دستیابی به تفاهم و هم‌بستگی و تقریب را بیان نمود. این دیدگاه‌ها عبارت بود از: ۱- تفسیر و شناخت صحیح مذاهب اسلامی؛ ۲- اعتدال مذهبی و پرهیز از اعمال و گفتار

تحریک آمیز؛ ۳- رویکرد منفی و سکوت در برابر برخی مسائل اختلافی؛ ۴- رویکرد مناظره علمی برای رسیدن به تقریب مذاهب اسلامی.

علامه شرف‌الدین روش مناظره علمی را بهترین روش برای رسیدن به تقریب و اتحاد اسلامی و در نتیجه، کشف حقیقت و رسیدن به تفاهم در مسائل اختلافی می‌دانست. در این روش، مذاهب اسلامی دست‌کم درک صحیح علمی از مواضع و مستندات مذاهب طرف مقابل به دست می‌آورند که به هر شکل هدف تقریب را برآورده می‌کند. در کل، اندیشمندان معتقد به آن بر این باورند که سکوت و پرده‌پوشی در برابر مسائل اختلافی میان مذاهب اسلامی، راه‌حل منطقی برای اختلافات موجود نیست. چنان‌چه علامه علی دوانی درباره رویکرد علامه شرف‌الدین آورده است: «شرف‌الدین از منادیان اتحاد اسلامی بود لکن نه به صورت منفی آن، یعنی دعوت به فراموش کردن گذشته و چشم‌پوشی از هر چه اتفاق افتاده است... زیرا که سکوت و پرده‌پوشی نسبت به آن مسائل، ریشه‌های روحی آنها را از دل و جان مردم بر نمی‌کند، بلکه این ریشه‌ها باقی نمی‌ماند و در فرصت مناسب به صورت انفجار آمیز بروز می‌کند. نظر شرف‌الدین این بود که بسیاری از اختلافات شیعه و سنی پایه درستی ندارد، بلکه سرچشمه آنها، دروغ‌ها و اتهام‌ها و تبلیغاتی است که در شرایط زمانی خاصی مطرح شده است و قدرت‌های سیاسی گذشته آنها را اشاعه داده اند» (دوانی، پیشین، ص ۶۲).

### ب) ویژگی‌های تقریبی علامه شرف‌الدین

#### الف - جامعیت علمی و اجتهاد مطلق

وی در اکثر رشته‌های مختلف علمی مثل تاریخ اسلام، حدیث، رجال‌شناسی، بحث‌های کلامی و... توانایی و تسلط داشته و دارای جامعیت و مبنای محکم و اصولی بود. وی اصل اتحاد بین مسلمانان را به مثابه یک اصل دینی و شرعی طرح کرده و هر نوع کوشش علمی و عملی در راه تقویت مذاهب اسلامی را با استنباط از منابع معتبر دینی، واجب شرعی می‌دانست و تلاش‌های آسیب‌رسان به وحدت امت اسلامی را ممنوع و حرام می‌دانست. (ذاکری، پیشین، ص ۳۴).

او از طرفی با درک نیاز جامعه اسلامی، به مقابله با سیاست‌های استعماری غرب اعتقاد داشت و از طرف دیگر، تردیدی در لزوم طرح مباحث اعتقادی و مذهبی شیعه به خصوص درباره امامت و پیشوایی اهل بیت نداشت بلکه همواره در صدد دفاع علمی از این موضوع بود. از جمله وی نسبت به برخی اعمال بزرگان صحابه و اجتهادات شخصی ایشان در مقابل نصوص دینی قلم‌فرسایی نموده است.

علامه در واقع نظریه سکوت به‌طور مطلق در موضوع امامت و خلافت جامعه اسلامی برای پیشبرد اهداف تقریبی را نظریه درستی نمی‌دانست، زیرا امامت در نظر شیعه نیز - مانند اهل سنت -

به بعد حاکمیت سیاسی و اجتماعی آن منحصر بود و چه بسا سکوت و حتی پذیرش خلافت خلفای نخستین برای پیشبرد اهداف تقریبی مفید بود؛ چنانچه علامه در جواب کسانی که شیعیان را به عدم پذیرش خلافت خلفا متهم می‌کردند، خلافت ایشان را به معنای وقوع خارجی می‌پذیرد؛ ولی به یقین، بحث و جدال درباره این بعد امامت هیچ فایده‌ای برای جوامع اسلامی امروزی ندارد. (پیشین، ص ۱۴۴؛ موسوی، پیشین، ص ۲۰۷).

**ب - موضع فعال در تقریب مذاهب اسلامی**

وی در معرفی مذهب شیعه و دفاع از آن پیشگام بود و بدون هیچ‌گونه انفعالی، تمام سعی و تلاش خویش را در رد و نقض ایرادات و اشکالاتی که بر شیعه وارد کرده‌اند، به کار می‌گرفت. (ذاکری، پیشین، ص ۳۵).

**معرفی مهم‌ترین ویژگی‌های کتاب الفصول المهمة (فصول دوازده گانه)**

**تعریف اسلام و ایمان**

نگاه جامع و عمیق به معنای اسلام و ایمان راه کار مهم و مؤثر علامه در راستای تقریب بود، زیرا در طول تاریخ به سبب عدم دقت و تضییق دایره و محدوده اسلام و ایمان بسیاری از مسلمانان و مؤمنین قربانی چهل و نادانی قرار گرفته‌اند. علامه در فصل دوم با استناد به روایات، شهادتین را در صدق اسلام و ایمان کافی می‌داند و جان و مال تمام کسانی را که اهل شهادتین «لا اله الا الله، محمد رسول الله» باشند و در عمل، ضروریات اسلام هم‌چون نماز، حج، زکات و... را انجام دهند، مصون می‌داند (موسوی، پیشین، ص ۲۶۲۳).

فصول سوم و چهارم نیز در تأیید این معنا است که اهل شهادتین همگی مسلمان و اهل نجات هستند. با این تعریفی که علامه از اسلام ارائه می‌دهد با اطمینان می‌توان گفت که دیگر اختلاف و تفرقه تکفیر کردن مسلمانان و مؤمنان جایی ندارد. (مبارز، پیشین، ص ۱۳۳) وی در ادامه برای بیان ملاک اسلام و کفر در مذهب شیعه، چنین می‌گوید: «در این که آثار اسلام در کسی که شهادتین را بگوید، از هر فرقه که می‌خواهد باشد چه از فرقه شیعه باشد و چه از فرقه اهل سنت، جاری است، اختلافی میان علمای شیعه وجود ندارد و این موضوع در حدی از روشنی و وضوح است که قابل انکار نیست، چنانچه روایات ما در این مسئله صراحت دارد.» (موسوی، پیشین، ص ۴۱-۴۲) وی خود به تکفیر، به دیده حکمی قطعی می‌نگرد و آن را از بدیهیات مذهب شیعه می‌شمارد می‌گوید: «ان الشیعه لم تکفر اهل السنه، بانکارها امام الاثمه من اهل البيت (علیهم السلام) مع ان امامتهم من اصول الدین علی رأی الشیعه؛ شیعه، اهل سنت را به سبب انکار امامت پیشوایان اهل بیت (علیهم السلام) تکفیر نمی‌کند با این که امامت نزد شیعه از اصول دین است.» (پیشین، ص ۲۰۸؛ سیدعلوی، پیشین، ص ۲۰۷).

علامه در بیان تعریف اسلام و ایمان آورده است: «اسلام و ایمان عبارت است از شهادت به یگانگی پروردگار و به رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و تصدیق روز قیامت و نمازهای پنج‌گانه و روزه و زکات و خمس و حج» (موسوی، پیشین، ص ۲۳)؛ با توجه به تعریف روایات متعدد از مسلمان، هر فردی که به موارد فوق پای‌بند باشد، مسلمان محسوب می‌شود و جان و عرض و مالش از هر گزند مصون خواهد بود، اگرچه در دل خود به آن یقین نداشته باشد؛ این سخن تا جایی وسعت پیدا می‌کند که اگر کافری در میدان جنگ دست مسلمانی را قطع کند و زمانی که مغلوب آن مسلمان شد «لا اله الا الله» بگوید آن مسلمان نمی‌تواند او را بکشد و گفتن همین کلمه کافی است که جان و مال او را محترم بشمارد. (فصل‌نامه آینه پژوهش، ص ۱۴۰) وی هم‌چنین می‌گوید: «اگر مؤمنی مؤمن دیگر را دوست بدارد و در هم‌نشینی او رضا و خشنودی پروردگار را بخواهد، وی از لطف و عنایت بی‌منت‌های خداوند بهره‌مند خواهد شد و مقهور آتش دوزخ نخواهد شد».

**ارزش شهادتین و حرمت مسلمان**

علامه در فصل سوم الفصول با عنوان «الشهادتان و حرمة المسلم» روایت‌هایی را از پیامبر (صلی الله علیه و آله) یا امامان (علیهم السلام) نقل می‌کند که بر حرمت خون، مال و آبروی مسلمان دلالت دارد. وی به این روایات به عنوان مبنایی قفهی برای وحدت نگاه می‌کند و با رجوع به آنها، ضرورت وحدت بین شیعه و سنی را به اثبات می‌رساند. (موسوی، پیشین، ص ۳۱) برای نمونه: «کل مسلم علی المسلم حرام دمه و ماله و عرضه» (ابن‌حنبل، ۱۹۹۹م، ج ۲، ص ۲۷۷)؛ یا «المسلم علی مسلم حرام دمه و ماله و عرضه» (مسلم بن حجاج نیشابوری، بی تا، ج ۴، ص ۱۹۸۶)، هم‌چنین این روایت نبوی: «المسلم اخو مسلم لا یظلمه و لا یسلمه، و ما کان فی حاجه اخیه کان الله فی حاجته، و من فرج عن مسلم کرهه فرج الله عنه کرهه من کربات یوم القیامه، و من ستر مؤمنا ستره الله یوم القیامه» (کلینی، ۱۳۶۵ش، ج ۲، ص ۲۴۴؛ ناصف، ۱۴۱۶ق، ج ۵، ص ۲۰). علامه در کتابش نمونه‌های فراوانی از این گونه روایات را از جوامع حدیثی شیعی و سنی ذکر کرده است (موسوی، پیشین، ص ۱۵-۲۰).

**برخی از فتوایان دانشمندان سنی مبنی بر نجات اهل توحید**

علامه شرف‌الدین، روایاتی را از قول اهل سنت که برای اهل شهادتین حرمت قائل می‌شوند، از کتاب‌های روایی آنها به ویژه از صحاح سته، نقل می‌کند، تا بهانه‌ای برای اختلاف‌افکنان باقی نماند. علامه در این باره می‌گوید: «من به فتاوی‌ای علما و بزرگان اهل سنت اشاره می‌کنم، تا ثابت کنم که در باب نجات اهل شهادتین نص و فتوا موافق هم هستند، و باید کسانی که دنبال تکفیر مسلمانان از غیر خودشان هستند با دیدن نصوص و فتاوی‌ای علما و بزرگان مذهبشان اگر عاقل هستند، دست از

این کارشان بردارند و حکم به ایمان مطلق اهل توحید نمایند. «پیشین، ص ۲۳ و ۵۷». در این جا به عنوان نمونه این گونه روایات، به موردی اشاره می‌کنیم: عالم معاصر شیخ نیهانی بیروتی صاحب کتاب «شواهد الحق» در این باره معتقد است: « بدانید که من اعتقاد و گفتاری به کفر هیچ‌یک از اهل قبله ندارم، نه وهابیت و نه غیر آنها و تمام آنها مسلمان به حساب می‌آیند و همگی مسلمانان در زیر سایه کلمه توحید و ایمان به پیامبر صلوات الله علیه و آن چه که به واسطه او نازل شده است از دین اسلام، جمع‌اند و...» (پیشین، ص ۶۰) وی سپس به دنبال نقل فتاوی مختلف از ائمه اهل سنت در این خصوص، می‌گوید: «با در نظر داشت این فتاوی صریح از ائمه اهل سنت، دیگر بهانه‌ای برای بهانه‌جویان آنها باقی نمی‌ماند، زیرا مخالفین آنها از اهل قبله، فعل و قولی انجام نمی‌دهند مگر بعد از آن که نهایت سعی و اجتهادشان را در به دست آوردن حق از کتاب و سنت و کلام ائمه هدی انجام می‌دهند، پس باید به حکم این علمای سلف مأجور باشند، چه این که به صواب نائل شوند و یا این که در تشخیصشان اشتباه کنند» (پیشین، ص ۶۳).

### بشارت‌های سنت برای شیعه

علامه شرف‌الدین در ادامه بحث‌های قبلی، فتاوی بزرگان اهل سنت را ذکر کرده و نشان می‌دهد ایشان از تکفیر فرقه‌های دیگر دوری کرده‌اند و حتی خوارج را از قلمرو مسلمانان خارج ندانسته‌اند. وی می‌گوید: «وقتی خوارج را نباید از مسلمانان جدا دانست، چرا شیعه را مطعون سرزنش‌ها و ملامت‌ها و حتی تکفیر قرار داده‌اند، شیعه‌ای که رگ‌های بدنش با یاد خدای متعال ضربان دارد و با عقیده به وحدانیت گوشت بر بدنش روییده... حرکات و سکناش توحید خدا را پذیرفته و پیغمبران الهی را باور نموده است و در آن چه پیغمبر گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آورده کوچک‌ترین تردیدی ندارد. شیعه‌ای که به نقل روایات اهل سنت - پیروی آن امامی را می‌کند که مصداق کامل سوره بینه است و همراه پیامبر و فاطمه و حسنین عَلَيْهِمُ السَّلَام پیش از دیگران به بهشت قدم می‌گذارد و در قیامت به پیروان حضرتش براتی داده می‌شود که از دوزخ الهی در امان باشند» (ر.ک: فصل هفتم).

علامه در این فصل شیعه را چنین تعریف می‌کند: «کسانی که در دین از علی و خاندان او عَلَيْهِمُ السَّلَام پیروی می‌کنند و عقاید دینی و فقهی‌شان به آنها منتهی شده، رفتار و آداب دینی را از ایشان آموخته‌اند، به امامت و رهبری‌شان گردن نهاده اخلاقاً پای‌بند توّلی و تبری هستند و با توسل و پیروی از دو منبع دینی «قرآن و عترت» آن را توفیق الهی قلمداد می‌کنند». هم‌چنین در این فصل از جایگاه شیعیان در میان روایات پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سخن می‌گوید. علامه هم‌چنین سعی می‌کند در مسائل اختلافی بین دو مذهب، معروف‌ترین و نزدیک‌ترین مبنای شیعه به اهل سنت را انتخاب کند؛

از جمله به رد مواردی چون زبان‌درازی شیعیان به عایشه و تبرئه او از افک و اتهامات گفته شده و هم‌چنین بدگویی شیعیان از ابوبکر، عمر و... پرداخته و شیعه را از این گونه موارد مبرا می‌داند. (مبارز، پیشین، ص ۱۳۳).

### توجیه‌های سلف و گذشتگان (اجتهاد در مقابل نص)

علامه در فصل هشتم به این مطلب می‌پردازد که «وقتی اهل سنت اجتهاد امثال عمر و ابوبکر را در فروع می‌پذیرند، هر چند خلاف گفته خدا و رسول باشد، چرا اجتهاد علمای شیعه را نمی‌پذیرند، حال آن که ایشان تلاش و اهتمام دارند فتوا و سخنشان منطبق با قرآن و روایات موثق باشد». وی جهت مستدل ساختن سخنانش، به موارد تاریخی بسیاری اشاره می‌کند که صحابه سخن خداوند و رسولش صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را فراموش کردند و به رأی و نظر خویش عمل نمودند، از جمله تصرف ابوبکر و عمر در آیه خمس و نپرداختن سهم پیامبر و خویشاوندانش، و یا دستور عمر به حذف «حی علی خیر العمل» و جایگزین کردن «الصلاه خیر من النوم» یا امر وی به گفتن چهار تکبیر بر میت یا جایز شمردن و صحیح دانستن سه طلاق در یک مجلس یا نهی او از متعه زنان و متعه حج، هم‌چنین فرمان عثمان به بازگشت حکم و ضرب و جرح عبدالله بن مسعود و عمار و تبعید ابوذر و...» (ر.ک: موسوی، پیشین، ص ۸۵-۱۹۲؛ سید علوی، پیشین، ص ۷۵-۱۹۰).

با این همه، نظریه علامه شرف‌الدین در شأن و اعتبار صحابه، بر پایه واقعیت‌ها و به دور از افراط و تفریط شکل گرفته است؛ به گونه‌ای که وی منکر بعضی از کارهای مثبت خلفا و دیگر بزرگان صحابه نیز نیست.

او خود در این باره آورده است: «خلافت شیخین یک واقعیت تاریخی است که هیچ آدم باشعوری آن را انکار نمی‌کند و هیچ انسان با وجدانی در آن تردید به خود راه نمی‌دهد. حکمروایی آن دو، از سال یازدهم تا سال بیست و سوم طول کشیده و در این مدت فتوحاتی هم پیش آمده و پایه‌های اسلام محکم گشته است. خلافت آن دو خلیفه از شئون سیاسی بوده و زمان آن هم گذشته است و درست نیست که مسلمانان امروز خود را به آن مشغول کنند و بدین وسیله از یک‌دیگر نفرت نمایند. چنین اعتقاد و باوری، چه فایده‌ای دارد؟» (موسوی، پیشین، ص ۲۰۷؛ سید علوی، پیشین، ص ۲۰۶-۲۰۵). اساساً علامه با تحلیلی که در کتاب «النص و الاجتهاد» از جریان صحابی دارد، سرشت این دسته از صحابه را نفاق‌آمیز نمی‌داند، بلکه اعمال منفی آنها را برخاسته از حس قدرت‌طلبی و انگیزه‌های سیاسی می‌شمارد، که ممکن است در افراد و زمان‌های دیگر نیز مصداق داشته باشد و این مسئله زبانی برای مسلمان بودن آنها ندارد. (دوانی، پیشین، ص ۱۱۲).

### فتوای تکفیر و بررسی آنها

فتاوی تکفیر برخی عالمان اهل سنت و جماعت نسبت به شیعه به علت روایات دروغی است که دروغ‌پردازان و کذابان آنها را پخش نموده‌اند و در برخی کتاب‌های روایی درج شده است. علامه اظهار می‌نماید که این دروغ‌گویان با اهدافی که دارند به چند گروه تقسیم می‌شوند:

الف) برخی با انگیزه مادی و تقرب به پادشاهان و کارگزاران اموی و عباسی روایات دروغین بر ضد شیعه ساخته و منتشر کرده‌اند و نسبت‌های زشت و ناپسندی به عموم شیعیان داده‌اند؛

ب) برخی از عالمان با انگیزه‌های دینی به این کار اقدام کرده‌اند. آنها شیعیان را منحرف می‌دانستند و برای باز داشتن مردم از گرایش به شیعه چاره کار را در این می‌دانستند که بر ضد شیعه روایاتی بسازند و با جوسازی مردم را از گرایش به شیعه منع کنند؛

ج) عده‌ای هم به دلیل این که حقایق بر آنان مشتبه شده بود و بسیاری از منحرفان مانند غلات و خطایبه را نیز شیعه می‌پنداشتند و آنها را فرقه‌هایی گمراه می‌دانستند، همه ضعف‌ها و انحرافات را به شیعه نسبت می‌دادند؛

د) عده‌ای نیز جاهلانه و با اعتماد به عالمان پیشین و روایاتشان بدون تحقیق و بررسی لازم، نسبت‌هایی دروغین به شیعه روا می‌داشتند؛ به طوری که اگر تحقیق می‌کردند و به منابع معتبر شیعه رجوع می‌نمودند، هرگز چنین نسبت‌های ناروایی را روا نمی‌داشتند. (موسوی، پیشین، ص ۲۲۳-۲۲۶؛ سید علوی، پیشین، ص ۲۲۲-۲۲۵).

به همین خاطر است که علامه شرف‌الدین در باره این گروه اخیر می‌گوید: «و لو رجعوا فی معرفه اقوال الامامیه الی علمائهم و اخذوا مذهبهم فی الاصول و الفروع مؤلفاتهم لکان اقرب الی الثبیت و الورع (موسوی، پیشین، ص ۲۲۷)؛ و اگر در شناخت اقوال و عقاید امامیه به علما و دانشمندان خود آنان مراجعه می‌کردند و عقاید اصلی و فرعی شیعه را از کتاب‌های خود ایشان برمی‌گرفتند به تحقیق و پارسایی نزدیک‌تر بود». (سید علوی، پیشین، ص ۲۲۵).

وی در دفاع از شیعه می‌گوید: «شیعه به واجبات دینی عمل می‌کند و اگر به اصول بی‌اعتنا باشد حد می‌خورد و اگر منکر شود مهدورالدم می‌شود، به علم و علما احترام می‌گذارد و زبردستی خود را در بسیاری از رشته‌های علمی به اثبات رسانده است. بزرگانی از اهل سنت چون ابوحنیفه و اشعری و شافعی به مسلمان بودن شیعیان حکم داده‌اند و خلافت عمر و ابوبکر را منکر نیستند چون ایشان خلافت را بعد از پیامبر عهده‌دار شدند و اگر هم انکار کنند نمی‌توان ایشان را مرتد دانست چون خلافت از اصول دین نیست و می‌توان این انکار را از مقوله اجتهاد دانست که باز به گفته دانشمندان اهل سنت اگر درست باشد دو پاداش می‌برند و اگر صحیح نباشد یک پاداش. دیگر آن که در همان زمان عده‌ای چون عمار و علی علیه السلام خلافت ایشان را نپذیرفتند. در ضمن شیعه از عمر و ابوبکر بدگویی نمی‌کند، اگر هم بد بگوید بنا به گفته بزرگان اهل سنت سب و دشنام موجب نمی‌گردد که

کسی را تکفیر کنیم. هم‌چنین عایشه را از هر ناروا و ناسزایی دور می‌دارد، البته انتقاد می‌کند که چرا جنگ جمل را دامن زد و از دفن امام حسن علیه السلام در کنار قبر جدش جلوگیری کرد». (موسوی، پیشین، ص ۱۹۵-۲۱۹؛ سیدعلوی، پیشین، ص ۱۹۱-۲۲۰).

وی هم‌چنین از شیوه بخاری در نقل حدیث از کسی چون عمر بن حطان خارجی گلایه می‌کند، چون وی کسی است که در مورد ابن‌ملجم و ضربت او گفته است: «آفرین بر آن ضربت از آن مرد پارسا! که خواست بدان وسیله به رضوان خدای صاحب عرش برسد! من هر روز او را یاد می‌کنم و می‌دانم که میزان عمل او نزد خدا از همه مردم سنگین‌تر است!» و به او اعتماد می‌کند، اما از ذکر حتی یک حدیث از سبط اکبر پیامبر صلی الله علیه و آله دریغ می‌کند. هم‌چنین از ابن‌خلدون که می‌گوید: «اهل بیت مذهب ناچیزی دارند که از خود درآورده‌اند و فقهی دارند که در آن تکرراند و آن را بر مذهب خود پرداخته، برخی صحابه را مورد تعرض قرار داده‌اند و بر مبنای عصمت امامان... ولی بنیان همه آنها سست و واهی است.» (موسوی، پیشین، ص ۲۵۳-۲۵۴؛ سیدعلوی، پیشین، ص ۲۴۹-۲۵۰) گلایه نموده و می‌گوید: «آیا این روش‌ها موجب فاصله نیست؟ به پروردگار کعبه و فرستنده پیغمبران سوگند که چون به این‌جا رسیدم مانند شخصی سرگردان وقفه‌ای نمودم، چون وحشت‌زدگان از جا جستم، چه گمان نمی‌کردم کار به این‌جا برسد» (مبارز، پیشین، ص ۱۳۰-۱۳۱).

### نقش دروغ‌سازان در تفرقه‌افکنی

در فصل دهم، وی به تمام مسائلی که در فرهنگ شیعه از اصل و اساسی برخوردار نیست و تنها نسبت‌های ناروایی است که به جامعه شیعه داده شده است پاسخ داده و با قاطعیت تمام جامعه شیعه را از این‌گونه نسبت‌ها منزله دانسته است. برای نمونه، علامه به این نسبت که ابن‌حزم ظاهری بیان داشته است «و من الامامیه من یجیز نکاح تسع نسوه؛ گروهی از امامیه ازدواج با نه زن را جایز می‌دانند» (ابن‌حزم اندلسی، ۱۳۱۷ق، ج ۵، ص ۴۵)، چنین پاسخ می‌دهد: «اما نکاح مازاد علی الاربع فاجماع الامامیه قاطبه نوا و فتوی علی حرمته و هذا الحکم من ضروریات مذهبهم بحیث لا یشتبیه فیه احد منهم؛ اما حکم نکاح با بیش از چهار زن چیزی است که علمای امامیه نوا و فتوایا بر حرمت آن اجماع کرده‌اند و آن را از ضروریات مذهب خود می‌دانند، به طوری که بر هیچ‌کدامشان در این مورد شبهه‌ای ایجاد نمی‌شود» (موسوی، پیشین، ص ۲۲۷). وی سپس می‌نویسد: «ای اهل بحث و تحقیق، شما را به شکوه حقیقت قسم و به عدل و شرف انصاف سوگند، کتاب‌های فقهی و اصولی امامیه را بررسی بفرمایید و کتب حدیثی و تفسیری آنان را اعم از قدیم و جدید جست‌وجو نمایید و مختصر و مفصل، متن و شرح را از نظر دور مدارید و اگر اثری از آن‌چه ابن‌حزم گفته است نیافتید بدانید که او و امثال او دروغ‌گوترین خلق خدایند، و اگر یافتید، دآوری کنید که شیعه بر حق نیست. اما سوگمندانه او در جاهای دیگر کتاب خود یاه‌هایی به امامیه نسبت داده است که از هیچ متدینی

سر نمی‌زند و دروغ‌هایی به ایشان بسته است که هیچ صاحب ایمان و یقینی به آنها لب نمی‌گشاید و ستمی به ایشان روا داشته است که هیچ باور دارنده معاد به چنان ظلم و ستمی اقدام نمی‌کند و بهتانی به شیعه زده است که آن کس که از خدا می‌ترسد و از مردم خجالت می‌کشد، چنان سخنی بر زبان نمی‌آورد». (موسوی، پیشین، ص ۲۲۷-۲۲۸؛ سیدعلوی، پیشین، ص ۲۲۶-۲۲۷).

وی همچنین در این فصل، به برخی تهمت‌ها و افتراهایی که برخی علمای اهل سنت چون ابن حزم و شهرستانی به شیعه زده‌اند پرداخته است؛ مواردی چون: شیعه گوشت شتر را حرام می‌داند و عده را برای زن شوی مرده لازم نمی‌شمرد. علامه با استناد به گفته ابن خلدون، صلاحیت ابن حزم را رد می‌کند و شهرستانی را در ذکر نسبت‌های ناروایش به شیعه، اهل تحقیق نمی‌داند. سپس به این بهتان‌ها پاسخ می‌گوید. در واقع مواردی چون: تقلید از گفته‌های پیشینیان و عدم تحقیق و دقت و مراجعه به منابع اصلی شیعه را از دلایل عمده نسبت‌های ناروا و دروغ‌پردازی بر ضد شیعه می‌داند.

### نقش برخی از نویسندگان در تفرقه‌اندازی

وی در فصل یازدهم به برخی تهمت‌ها و افتراهایی که برخی نویسندگان اهل سنت به شیعه زده‌اند پرداخته است و از جمله، به انتقاد از رشید رضا صاحب «المنار» می‌پردازد که چرا بدون مراجعه به منابع شیعه یا با اعتماد به سخنان بدون مدرک، عقاید غیرواقعی و نامعلوم را به شیعه نسبت داده است. این در حالی است که علامه سعی می‌کند در نقد عقاید اهل سنت به منابع اصلی خودشان ارجاع دهد تا شاید باعث قانع شدن ایشان گردد و با مراجعه به منابع هر مذهب، جلو تهمت و افترا گرفته شود. (مبارز، پیشین، ص ۱۳۱).

همچنین در پاسخ به سخن وحید رافعی در کتاب «رایة الحق» (ص ۱۶۱) که می‌گوید: «رافضه در متن قرآن شک دارند و گفته‌اند در آن فزونی و کاستی و تغییر و تبدیل راه یافته است» می‌گوید: «اگر مراد ایشان از رافضه شیعه امامیه باشد، این دروغ محض است، چون قداست قرآن از ضروریات دین اسلام و مذهب امامیه است و به اجماع امامیه، کسی که در قرآن شک کند مرتد است». (موسوی، پیشین، ص ۲۴۱؛ سید علوی، پیشین، ص ۲۴۰).

### انگیزه‌های جدایی و دوری

#### الف) جدایی شیعه از سنی

علامه شرف‌الدین با استناد به نصوص دینی معتبر و صریح درباره وجوب تبعیت از اهل بیت علیهم‌السلام و اخذ علوم و معارف و احکام دینی از آنها، و همچنین لزوم محبت و دوستی ایشان و پای‌بند بودن به آن، که از این طریق دست‌کم می‌توان به مقام محبوب دست یافت، زمینه را برای نظریه تقریبی خود

بر طبق رویکرد دوم و رویکرد انتقادی آماده ساخته و سپس عملکرد علمی و عملی بزرگان اهل سنت را در برخورد با منزلت اهل بیت علیهم‌السلام نقد و بررسی کرده است.

او در فصل دهم یکی از دلایل دوری شیعیان از اهل سنت را تکفیر، تحقیر و فحاشی اهل سنت نسبت به شیعه و بزرگان ایشان ذکر می‌کند؛ تکفیر شیعیان در کتاب «فتاوی‌الحامدیه»، تحقیر و نسبت‌های دروغی که توسط علمای درباری حکام بنی‌امیه و بنی‌عباس و علمای ترسویی که از اشاعه مذهب شیعه هراس داشتند و علمای بی‌خبر و ناآگاه از حقیقت مذهب شیعه به وقوع پیوسته است و همچنین دروغ‌ها و نیرنگ‌های ابن حزم و شهرستانی و... (موسوی، پیشین، ص ۲۳۷-۲۴۶؛ سید علوی، پیشین، ص ۲۲۱-۲۳۴).

همچنین در فصل دوازدهم کتابش با عنوان «اسباب الفرقة و التباعد» یکی از عوامل اصلی اختلاف و تفرقه میان مسلمانان را در روی تافتن اهل سنت از مذهب و مکتب اهل بیت دانسته است: «برادران اهل سنت از مذهب امامان اهل بیت روی گرداندند و به سخنان ایشان در اصول و فروع دین و به طور کلی در تفسیر قرآن که برادر و همتای اهل بیت علیهم‌السلام است مراجعه نکردند مگر بسیار اندک، در حالی که از مقاتل بن سلیمان دجال که از مجسمه و مرجئه بوده مطالب فراوان نقل کرده‌اند». تا جایی که می‌گوید: «روایات منقول از اهل بیت در کتب روایی اهل سنت کمتر از روایات عکرمه است. شخص بخاری حتی یک روایت از اهل بیت علیهم‌السلام نیاورده است» (الفصول، ص ۲۶۴). علامه سرانجام با با برتر دانستن اهل بیت علیهم‌السلام و توجه به این‌که اهل سنت نمی‌توانند هیچ‌گونه نقضی را به اهل بیت علیهم‌السلام وارد کنند، دوری آنها از اهل بیت علیهم‌السلام را بدون دلیل دانسته، و توجیهی برای آن نیافته است. (موسوی، پیشین، ص ۲۴۹-۲۵۰؛ سید علوی، پیشین، ص ۲۴۷-۲۴۸).

علامه شرف‌الدین این اعراض اهل سنت از اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را هنگامی تحمل‌ناپذیر می‌داند که بر اساس نصوص دینی معتبر نزد اهل سنت، تمسک به تقلین (قرآن و عترت) بر امت اسلامی واجب شمرده شده است. (ذاکری، پیشین، ص ۲۳۶-۲۳۷ به نقل از موسوی، پیشین، ص ۲۴۹-۲۵۰).

مسئله صحابه و شبهه لعن خلیفه اول و دوم توسط شیعیان: علامه در جواب این شبهه، طرح چنین موضوعاتی را مخالف اصل اتحاد امت اسلامی دانسته و ورود به آن را بی‌فایده و غیرلازم می‌داند. وی نخست، اصل سب و دشنام دادن تمام شیعیان به خلفا را قبول ندارد و آن را اثبات‌ناپذیر می‌داند. به نظر او، حتی اگر مواردی وجود داشته باشد، نمی‌توان آن را به تمام شیعیان نسبت داد (موسوی، پیشین، ص ۲۱۲) سپس به نفی چنین نسبتی به شیعیان می‌پردازد، اما چون اهل سنت بر این نکته اصرار دارند که شیعیان لعن و سب بر شیخین دارند و نفی این نسبت را نمی‌پذیرند، بحث را بر این نکته متمرکز کرده است که بر فرض اثبات چنین نسبتی به شیعیان، آیا سب صحابه و به



خصوص خلیفه اول و دوم باعث کفر سب‌کنندگان است، که اهل سنت به این جهت، شیعیان را تکفیر کرده‌اند. (ذاکری، پیشین، ص ۱۹۷-۱۹۸ به نقل از موسوی، پیشین، ص ۲۱۲).

علامه یادآور می‌شود که لعن خلفا از سوی برخی از شیعیان مطابق با فتوای اهل سنت عندالله معذور و مأجور می‌باشد. سپس به عنوان شاهد این سخن ابن‌حزم را (ابن‌حزم اندلسی، پیشین، ج ۳، ص ۳۰۰) می‌آورد: «کسی که یکی از صحابه را دشنام گوید، اگر جاهل و ناآگاه باشد، معذور است و هرگاه به او آموختند و آگاه نشد و باز به رفتارش ادامه داد بی‌آنکه عناد کند، فاسق است و نابکار محسوب می‌شود؛ مانند زناکار و دزد و امثال آنها. و اما اگر با خدای متعال و رسول او عناد ورزد، کافر است. عمر در حضور پیامبر ﷺ درباره حاطب مهاجری گفت: بگذارید گردن این منافق را بزنم. و عمر با کافر پنداشتن حاطب، خود کافر نگشت بلکه دچار شبهه بود و خطا رفت». (موسوی، پیشین، ص ۲۱۷؛ سید علوی، پیشین، ص ۲۱۷-۲۱۸).

**ب) جدایی سنی از شیعه**

وی یکی از علل و انگیزه‌های جدایی اهل سنت از شیعه را برچسب‌ها، دروغ‌ها و تهمت‌هایی می‌داند که از سوی منافقان و دشمنان شیعه به شیعیان نسبت داده شده است مبنی بر این‌که شیعه همه اصحاب پیامبر را سب و لعن می‌کند. نویسنده ضمن نقل و نقد این تهمت‌ها و تذکر اشتباه ایشان، در فصل دهم می‌آورد: «این تهمت‌ها همگی باطل است، مگر مسئله صحابه که در آن نیز شیعیان اثنی‌عشری تعادل را حفظ کرده‌اند، نه مثل جمهور، همه را چشم بسته پذیرفته‌اند و نه مثل برخی غالیان همگی را رد کرده‌اند، بلکه با دید نقادانه به تجزیه صحابه پرداخته‌اند که البته در این زمینه شیعیان به بسیاری از صحابه گرانقدر پیامبر ﷺ اقتدا کرده و مسائل اعتقادی خود را از همین صحابه دریافت کرده‌اند. همانند ابن‌رافع و انس بن حرث...». وی جهت اثبات سخنانش در این مورد به ۲۱۳ نفر از صحابه اشاره می‌کند. (ر.ک: موسوی، پیشین، ص ۲۶۵ - ۳۱۴). وی علاوه بر اینها، نقش ملل‌نویسانی چون ابن‌حزم و شهرستانی را در ازدیاد و تکثر فرقه‌ها و دامن زدن به اختلافات، منتفی نمی‌داند و به صورت ضمنی در فصل دهم به آن اشاره می‌کند. (پیشین، ص ۲۲۷-۲۳۷).

به این ترتیب وی مهم‌ترین دلیل تفرقه مسلمانان را، تکفیر و فحاشی مذاهب می‌داند و در تمام کتابش با در نظر گرفتن این موضوع، از اهل سنت و اشخاص با تجلیل و یا دست‌کم با پرهیز از بی‌احترامی یاد می‌کند و از تعبیرهایی هم‌چون «برادران اهل سنت، اهل جماعت، جمهور و...» استفاده می‌کند و در موارد بسیاری نیز اشخاص را با ذکر القاب و رحمت یاد می‌نماید. در نتیجه، وی آرای اهل سنت را با استدلال و احترام نقد می‌کند، مگر این‌که فرد با انجام گناه، دروغ‌گویی و اتهام‌های بی‌اساس، برای خودش احترامی باقی نگذاشته باشد. (مبارز، پیشین، ص ۱۳۱).

دوری و کناره‌گیری اهل سنت از اهل بیت پیامبر ﷺ از عوامل بزرگ تفرقه دانسته شده است. همه مسلمانان به قرآن و سنت پیامبر ارج می‌نهند و آن دو را حجت و مسیر فهم و منبع معرفت اسلامی می‌دانند. اما متأسفانه در کتاب‌های روایی عالمان اهل سنت و جماعت، از اهل بیت پیامبر سخنی به میان نیامده است. به همین دلیل وی می‌گوید: «اهل سنت و جماعت اصول دین خود را از ابوالحسن اشعری و ماتریدی و اذئاب آن دو گرفته‌اند و فروع دین را از فقیهان و امامان مذاهب اربعه. با این‌که نصوص صریح وجود دارد که باید به عترت طاهره مراجعه کرد و به آنان تمسک نمود. این اعراض آنان از امامان و عترت طاهره در اصول و فروع دین و عدم رجوع به آنان در تفسیر قرآن یکی از مشکلات جهان اسلام و یکی از عوامل بزرگ تفرقه است» (موسوی، پیشین، ص ۲۴۹؛ دوانی، پیشین، ص ۳۷۶).

**راه کارها و شیوه‌های مختلف مبارزه با اختلافات بی‌اساس در الفصول المهمة**

با توجه به این‌که مهم‌ترین علت اختلاف میان شیعه و سنی، تکفیر، تحقیر، اهانت و تعصب جاهلانه است، مؤلف شیوه‌هایی را برای درمان این اختلافات بیان می‌کند:

**الف) استدلال**

علامه در این اثر تلاش نموده تا در مقابل هرگونه هجمه و افترا و دروغ‌پردازی، با استدلال و منطق بایستد تا روش مناظره را از حالت تعصب و خشونت به منطق و استدلال تبدیل نماید.

**ب) آشکار ساختن آثار شوم و زیان‌بار تعصب و تکفیر**

وی در فصل نهم پس از ذکر فتوای کتاب «فتوی‌الحامدیه» می‌گوید: «شما را قسم! آیا صاحب این فتوا دانسته است که چه خون‌هایی را از خداپرستان ریخته و چه آزاد زنانی را بی‌آبرو کرده و چه حرمت‌های خدای عزوجل را دریده و چه فرزندان را از مسلمانان برهنه ساخته و چه مال‌های زکات داده شده‌ای را غارت کرده و چه شهرهای آباد با تلاوت قرآن و نماز را ویران نموده و چه جگری از رسول الله ﷺ پاره کرده... و چه عزت و شوکتی از ایشان شکسته است». (موسوی، پیشین، ص ۱۹۷؛ سید علوی، پیشین، ص ۱۹۴).

و در جایی دیگر می‌گوید: «اما اگر اتحاد و اتفاق نباشد و مسلمانان دسته دسته و گروه گروه دشمن یک‌دیگر باشند و به عبث و بیهودگی دل مشغول بدارند و از ترقی و پیشرفت باز بمانند، به طور قطع همانند علف هرزها در مسیر بادها و طوفان‌ها قرار گرفته، ذلیل‌ترین ملت‌ها و فقیرترین و بینواترین مردمان خواهند شد و دست‌خوش امیال هوس‌بازان و طعمه‌ورزان و هدف تیرهای

بدخواهان، و در تنگنای خفت و خواری قرار خواهند گرفت و مدام با مرگ و عوامل زبونی دست و پنجه نرم خواهند کرد و پناهگاهی نخواهند داشت». (موسوی، پیشین، ص ۱۰؛ سید علوی، پیشین، ص ۱۲).

وی هم‌چنین در مقدمه می‌آورد: «ای امت اسلامی! به هوش باشید، به هوش! و از آثار سوء تفرقه و پراکندگی بیمناک شوید و از اختلاف کلمه و جدایی دل‌ها و کین و نفرت از یک‌دیگر بپرهیزید» «و لا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (آل عمران/۱۰۵)؛ و مانند کسانی نباشید که پس از رسیدن به دلایل روشن و روشن‌گر به آنها، پراکنده شدند و اختلاف پیشه کردند، و برای اینان عذابی بزرگ است. «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلا تَفَرَّقُوا» (آل عمران/۱۰۳) و همگی به رشته الهی چنگ زنید و پراکنده نشوید. «إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيْعًا لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ» (انعام/۱۵۹) همانا کسانی که دینشان را پراکندند و گروه گروه شدند، تو هرگز از آنها نیستی؛ کار آنها تنها با خداست، آن‌گاه آنان را از عملکردشان آگاه خواهد ساخت. (پیشین).

در واقع خواست علامه شکستن این تعصب کور موجود در دنیای اسلام است که باعث فرار شیعه و سنی از هم‌دیگر شده است و باورهای هم‌دیگر را به سخره می‌گیرند. او می‌گوید: «مسلمانان! بدانید که ما در عصر علم و دانش زندگی می‌کنیم؛ عصری که ذکاوت و هوشمندی بشر به اوج خود رسیده و برای مردم چشمه‌های حکمت جوشیده و پرده‌های غفلت از جلوی دیدگان کنار رفته است. برق نور، افکار و اندیشه‌ها را روشن کرده و آفتاب فضل و کمال در چهره‌ها درخشیده است، پس چرا نیزه قلم‌ها را راست نمی‌کنند و چرا تیرها را در چله کمان نمی‌گذارند و نشانه نمی‌روند تا جان عصبیت‌ها را بگیرند و آثار زشت آن را محو کنند و وظایف انسانی را فریاد کنند و مشعل انسانی را بالا برند و ندای مدنیت سر دهند و مردم را با خطابه‌هایی که گوش روزگار را پر کند و سخنرانی‌هایی که سنگ‌های سخت را متلاشی کند، به اتحاد و یک‌پارچگی صفوف شیعه و سنی فرا خوانند». (پیشین، ص ۱۱-۱۰؛ سید علوی، پیشین، ص ۱۳-۱۴).

**ج) تمجید از سخنان مسالمت‌آمیز و منصفانه بزرگان**

وی در فصل ششم کتاب خود فتوای بزرگان اهل سنت را ذکر کرده که همه اهل توحید و شهادتین را مؤمن و اهل نجات می‌داند. هم‌چنین از افرادی چون صاحب الاصابه، اسد الغابه و مصطفی صادق به سبب رعایت اعتدال و انصافشان، قدردانی نموده است. (موسوی، پیشین، ص ۵۱۹ و ۵۳۴).

سرانجام علامه با ذکر مواردی چون: تذکر به حرمت مؤمنین، جایگاه شیعه در روایات، جایگاه اهل سنت نزد اهل بیت (علیهم‌السلام)، تبرئه شیعیان از عقاید شرک‌آمیز و... راه مبارزه و مقابله با تعصب را نشان داده است. (مبارز، پیشین، ص ۱۳۳).

**د) معرفی و شفاف سازی عقاید مذاهب**

از علت‌های مهم دوری فرقه‌های اسلامی از یک‌دیگر بدون تردید ناآگاهی افراد نسبت به عقاید دیگر مذاهب و تأکید بر مسائل حاشیه‌ای و جای‌دهی برخی خرافات به جای عقاید اصولی و نیز نسبت‌های نادرست از سوی مخالفین است. بنابر این شناخت و معرفی شفاف و جداسازی مسائل اصلی از پیرایه‌های خرافی، بهترین راه‌حل از سوی بزرگان و مصلحان مذاهب می‌باشد. علامه برای دست‌یابی به این هدف علاوه بر معرفی شیعه سعی کرده هر چیزی که ذهن اهل سنت را نسبت به شیعه مخدوش کرده است، روشن نموده و سره را از ناسره جدا سازد. وی در فصل دهم و یازدهم برای رسیدن به این منظور با رد اتهامات اهل سنت، شیعیان را در رعایت و دقت احکام الهی حریص و تحریف قرآن را بر خلاف و ناسازگار با رأی و مبنای مشهور شیعه دانسته است. (مبارز، پیشین، ص ۱۳۳).

**راه کارها و راه‌حل‌های مؤثر در ایجاد اتحاد و تقریب در الفصول المهمة**

**الف) ارجاع به متون و آموزه‌های دینی**

آموزه‌های دینی مسلمانان مؤثرترین عامل در اثبات لزوم وحدت و تقریب می‌باشد. وی با اختصاص فصل اول کتاب خویش به این آموزه‌ها و با برشمردن آیات و روایات صریح، تفرقه و جدایی مذاهب از یک‌دیگر را مخالف آموزه‌ها و دستورات دینی معرفی کرده و اختلاف موجود را ناشی از عدم درک اخلاق اسلامی می‌داند. او با این تمهید سعی می‌کند مسلمانان را به متون اصیل و مشترک بین همه مذاهب بیشتر توجه دهد. (پیشین، ص ۱۳۲).

**ب) اثبات ظرفیت مذاهب اسلامی برای ایجاد وحدت و تقریب**

وی با دعوت پیروان مذاهب اسلامی به عمیق شدن و دقت در مذهب خود، ایشان را به اصول، ضروریات و ظرفیت‌های آن توجه می‌دهد. علامه بیشترین حجم کتابش را به این موضوع اختصاص داده است که اثبات کند دست برداشتن از اصول و ضروریات مذهب و کوتاه آمدن در راه تقریب و اتحاد لازم نیست و هر مذهب در متن خود مسائلی برای امکان نزدیکی و تقریب دارد.

**ج) شناسایی علل اختلاف**

بدون تردید مهم‌ترین گام برای زدودن و از بین بردن اختلافات، شناسایی علت‌ها و زمینه‌های اختلاف است، زیرا بدون شناسایی علل اختلاف، از بین بردن اختلاف، با شکست روبه‌رو خواهد شد. (پیشین، ص ۱۳۱-۱۳۲).

### آثار و نتایج وحدت و تقریب مذاهب اسلامی در الفصول المهمة

علامه هر وقت به مسئله هم‌گرایی و وحدت اسلامی پرداخته، آثار آن را نیز بیان کرده است. وی هم‌چنین به آثار اختلاف هم اشاره کرده است. به باور وی در یک جامعه یا وحدت حاکم است یا اختلاف، زیرا اگر وحدت نباشد لاجرم اختلاف وجود دارد. وی در صدد است تا با مطرح کردن دو مقوله اتحاد و اختلاف، افکار دنیای اسلام را متوجه آثار و نتایج این دو نماید، زیرا آشنایی با آثار آنها، یکی از روش‌های مفید ایجاد وحدت اسلامی است. وی بارها تصریح کرده است که برخی از مسلمانان بدان جهت باعث اختلاف می‌شوند که از پیامدهای خانمانسوز اختلاف آگاهی ندارند؛ همان‌گونه که از آثار وحدت بی‌خبرند.

شرف‌الدین عزت‌مندی، استقلال، تمدن، پیشرفت‌های علمی، عمران و آبادانی، برقراری حکومت و... را از آثار وحدت و عقب‌ماندگی، واپس‌گرایی، ذلت، ظلم‌ستیزی و... را از پیامدهای اختلاف می‌داند. در واقع اگر اتحاد و هم‌بستگی میان مسلمانان تحقق یابد، بسیاری از مشکلات جامعه اسلامی مرتفع می‌گردد و دشمنان اسلام نمی‌توانند سیاست‌هایشان را بر مسلمانان دیکته کنند. (مجموعه مقالات کنگره، ص ۲۲۶) به همین خاطر است که در مقدمه این اثر سترگ درباره نقش و ارزش هم‌بستگی، انسجام، اتحاد، وحدت و هم‌سخنی می‌گوید: «کار آبادانی سامان نیابد و عوامل پیشرفت و ترقی حاصل نشود و روح مدنیت پدید نیاید و ستارگان خوشی و راحتی از برج‌های سعادت طلوع نکنند مگر در پرتو اتحاد و یک‌پارچگی امت اسلام و ما هرگز گردن از یوغ بردگی بیرون نتوانیم برد و به حریت و آزادگی نخواهیم رسید مگر در سایه وحدت کلمه و الفت دل‌ها و یکی شدن باطن‌ها و هماهنگی فکرها و تصمیم‌ها، و گرد آمدن بر محور نوامیس امت اسلامی و بالا بردن کیان ملت مسلمان.

آری، در صورت اتحاد و هماهنگی مسلمانان، زمین سرسبز می‌گردد و از آسمان زر می‌بارد و از دل‌های سرشار از مهر، برادری، عشق و محبت می‌جوشد و هم‌چون چشمه‌ها در دشت‌های وجود و در نهرهای خشکیده جامعه روان می‌گردد، و روح انسانیت و آیین فطری الهی تجدید حیات کرده و همانند مردگانی که از گورها برمی‌خیزند در روی زمین منتشر می‌گردد و عدالت، اطراف جهان را روشن می‌کند و نظام عدل و داد سامان می‌یابد و تمام خلأها و کاستی‌ها پر می‌شود. آری، در صورت به اهتزاز در آمدن پرچم اتحاد و اتفاق، زمامداران مانند پدر مهربان و دلسوز به وضع ملت‌ها می‌رسند و ملت‌ها نیز زمامداران را یاری می‌کنند و آنان را در آبادانی زمین و سرسبز کردن کوی‌های زندگی و رتق و فتق امور و اصلاح مفاسد و ارشاد گمراهان و جهاد با ستم‌گران و یاری ستم‌دیدگان و آموختن بی‌سوادان و تعلیم و آگاه کردن جاهلان مدد می‌رسانند». (سید علوی، پیشین، ص ۱۱-۱۲).

تحمل و شکیبایی در برابر توهین‌ها و افتراات مخالفین برای کسی چون شرف‌الدین که به مکتب اهل بیت عشق می‌ورزد جای تحسین دارد. این ویژگی وی در همه کتابش آشکار است. علامه با این که با موارد گوناگونی از حرکات و اتفاقات غیره منتظره روبه‌رو می‌شود همانند: تهمت‌های ناروا در فصل دهم و تکفیر شیعه در فصل نهم، نقل سکوت در آور علی علیه السلام در فصل هشتم، عناد بخاری و ابن‌خلدون با اهل بیت علیهم السلام در فصل دوازدهم و... به هیچ‌وجه دست از رفتار منطقی برنمی‌دارد و بی‌توجه به این مسائل ندای وحدت سر می‌دهد. برای مثال وقتی به نقد سخنان ناراحت‌کننده ابن‌خلدون (در فصل دوازدهم، صفحه ۵۱۵) می‌پردازد، بیان می‌کند: «ولی دیگر دوران دشمنی سپری شد و هنگام برادری فرا رسید و وقت آن رسیده که تمام مسلمانان به شهرستان علم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در آیند و...» حتی وقتی سخنان و اهانت‌های افرادی برایش خیلی سخت می‌شود با بیان عباراتی مثل: «لا حول و لا قوه الا بالله»، «پروردگارا ما را به زشتکاری‌های نادانمان مگیر»، «ای مرگ بیا که زندگی ناپسند است» صبر و شکیبایی نموده و به ارائه پاسخ‌های منطقی می‌پردازد. در کل، ویژگی‌هایی چون: انصاف، اعتدال، بزرگواری و گذشت، و حرکت در مسیر منطق در راستای تقریب، در تدوین فصول کتاب به کار گرفته شده است. (مبارز، پیشین، ص ۱۳۲).

### منابع و مآخذ

- ۱- ابن حزم اندلسی، *الفصل فی الملل و النحل*، دارالصادر، بیروت، ۱۳۱۷ق.
- ۲- ابن حنبل، احمد بن محمد، *مسند الامام احمد حنبل*، تحقیق شیخ شعیب الارنوط، مؤسسه الرساله، بیروت، ۱۹۹۹م.
- ۳- آقابزرگ تهرانی، *التدوین*، دارالاضواء، بیروت، ۱۴۰۶ق.
- ۴- \_\_\_\_\_، *طبقات اعلام الشیعه؛ نقباء البشر*، دار المرتضی للنشر، مشهد، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
- ۵- بهبهانی، مرضیه، *علامه شرف‌الدین عاملی؛ وحدت‌گرای مبارز*، فصلنامه اندیشه تقریب، سال اول، شماره اول، زمستان ۱۳۸۹ش.
- ۶- بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، *شیخ محمود شلتوت طلایه‌دار تقریب*، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تهران، ۱۳۷۹ش.
- ۷- \_\_\_\_\_، *هم‌بستگی مذاهب اسلامی: مقالات دارالتقریب*، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، ۱۳۷۷ش.
- ۸- پزشکی، محمد، *اندیشه سیاسی شرف‌الدین*، پژوهشکده علوم و اندیشه اسلامی، قم، ۱۳۸۷ش.

- ۹- حکیمی، محمدرضا، *شرف‌الدین*، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۵ش.
- ۱۰- دوانی، علی، *اجتهاد در مقابل نص*، ترجمه النص و الاجتهاد شرف‌الدین موسوی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ هشتم، ۱۳۷۵ش.
- ۱۱- ذاکری، محمد اسحاق، *اندیشه‌های تقریبی علامه شرف‌الدین عاملی*، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۸۸ش.
- ۱۲- سید علوی، سید ابراهیم، *مباحثی پیرامون وحدت اسلامی*، ترجمه «الفصوص المهمة فی تألیف الامة»، تألیف عبدالحسین شرف‌الدین عاملی، نشر مطهر، تهران، ۱۳۸۰ش.
- ۱۳- صدر حاج سید جوادی و دیگران، *دایره‌المعارف تشیع*، نشر شهید سعید محبی، تهران، ۱۳۸۱ش.
- ۱۴- فصلنامه آینه پژوهش، «*معرفی اجمالی کتاب در راه تفاهم مسلمانان*»، سال یازدهم، شماره پنجم و ششم، اسفند ۱۳۸۳ش.
- ۱۵- کلینی، محمد بن یعقوب، *اصول الکافی*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج ۲، ۱۳۶۵ش.
- ۱۶- کنگره بین المللی علامه شرف‌الدین، *مجموعه مقالات کنگره بین المللی علامه شرف‌الدین*، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۸۵ش.
- ۱۷- مبارز، محمد قاسم، *بررسی تقریب الامه در الفصول المهمة*، فصلنامه آینه پژوهش، سال یازدهم، شماره پنجم و ششم، اسفند ۱۳۸۳ش.
- ۱۸- مسلم بن حجاج نیشابوری، *صحیح مسلم به شرح نووی*، دارالکتب العلمیه، بیروت، ج ۱۶، بی تا.
- ۱۹- \_\_\_\_\_، *صحیح مسلم*، دارالحدیث، قاهره، ج ۴، بی تا.
- ۲۰- موسوی، شرف‌الدین، *الفصول المهمة فی تألیف الامه*، تحقیق عبدالجبار شراره، المجمع العالمی للتقریب بین المذاهب الاسلامی، تهران، ۱۳۸۲ش.
- ۲۱- ناصف، منصور علی، *التاج الجامع لاصول فی احادیث الرسول ﷺ*، المجمع العالمی للتقریب بین المذاهب الاسلامیه، معاونه شؤون الاعلام، ۱۴۱۶ق.
- ۲۲- یزدی، محمد، *در راه تفاهم مسلمانان*، ترجمه کتاب الفصول المهمة فی تألیف الامه شرف‌الدین عاملی، مؤسسه علامه، قم.



# اخبار فرهنگی